

# وکالت دادگستری در فرانسه



دکتر نادر ذوالعین

وکیل دادگستری

دادگستری و توأم در امر مشاوره حقوقی و اقدامات قضایی عمل می کنند. وکلای دادگستری عضو کانون وکلای منطقه قضایی که در آنجا حرفه خود را انجام می دهند بوده و تابع آیین وظایف صنفی مقرر از سوی آن کانون هستند. هر کانونی مقررات صنفی خاص خود را در چارچوب قانون وضع نموده است، لیکن تشابه میان این مقررات به حدی است که، جز در موارد استثنایی، وکلای همه مناطق فرانسه تابع قواعد کم و بیش یکسانی می باشند. در این مقاله به جهت تسهیل کار به مقررات صنفی کانون پاریس، که شاید کاملترین آیین وظایف وکلا در فرانسه می باشد، استناد خواهد شد. این مجموعه قوانین و مقررات صنفی ضوابط نحوه اجرای حرفه وکالت دادگستری را تعیین کرده اند. در این چارچوب، فعالیت وکلا تابع یک سری اصول مهم بوده (۱) و دامنه مشخصی داشته (۲) و با رعایت یک سری وظایف توأم است (۳).

## ۱. اصول مهم (Principes essentiels)

اصل نخستی که در ماده اول قانون قید شده و در بند اول ماده ۷۳ آیین صنفی کانون پاریس نیز یادآوری شده این است که، وکالت دادگستری یک شغل آزاد و مستقل است. شغل آزاد به این معناست که تصمیم گیری درباره قبول پرونده و انتخاب شیوه عمل و نحوه استدلال به عهده وکیل می باشد. استقلال در امر وکالت ضمانتی برای عموم و برای اجرای عدالت است و وکیل دادگستری را از هر گونه اعمال نفوذ یا فشاری در امان می دارد. اصول دیگری که وکیل دادگستری در انجام حرفه خویش صریحاً موظف به رعایت آن می باشد به ترتیب عبارتند از: حفظ شأن و وقار، وجدان، استقلال، درستکاری و انسانیت، حفظ احترام خویش، وفاداری

کننده توازن میان قوای قضاییه و حاکمه (اعم از مجریه و مقننه) می باشد. با توجه به مطالب فوق، مطالعه نقش و نحوه عمل وکلای دادگستری در هر کشوری، چه به صورت انفرادی و چه جمعی در قالب کانون وکلا، دارای اهمیت است زیرا، چنانچه قبلاً گفته شد، جایگاهی که جامعه موردنظر برای عدالت به طور کلی قایل است را نمایان می سازد. موضوع مقاله حاضر بررسی حرفه وکالت دادگستری در فرانسه است و هدف از آن آشنا ساختن حقوقدانان ایرانی از اجرای این حرفه در پرتو مقررات صنفی قابل اجرا در آن کشور می باشد. نظر به اینکه مقاله ای تحت عنوان نحوه تشکیل کانون وکلا در فرانسه، بر گرفته از کتاب اسرار دفاع به تألیف ژرژ کوهندی و ترجمه شده توسط دکتر ابوالقاسم تقضلی در شماره اول مجله وکالت به چاپ رسیده است (ص ۴۱)، لذا در این مقاله دیگر نیازی به اشاره به سوابق تاریخی حرفه وکالت در فرانسه دیده نمی شود.

## نحوه اجرای حرفه وکالت در فرانسه

حرفه وکالت دادگستری در فرانسه به طور کل مشمول ضوابط قانونی و به طور خاص مشمول مقررات صنفی وضع شده توسط کانون محل می باشد. قوانین قابل اجرا به ترتیب عبارتند از: قانون مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۷۱ میلادی و قانون مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۰ میلادی، که باید آیین نامه اجرایی مورخ ۲۷ نوامبر ۱۹۹۱ را نیز به آنها اضافه کرد. قوانین مذکور، حرفه وکالت را دچار تحول عمیقی کردند. از جمله این تحولات، ادغام مشاوران حقوقی در حرفه وکالت دادگستری بوده است. سابق بر این، مشاوران حقوقی به امر مشاوره می پرداختند و وکلا در مراحل قضایی و رسیدگی به دعوی وارد عمل می شدند. از تاریخ اول ژانویه ۱۹۹۲ این دو حرفه تحت عنوان واحد وکیل

در هر نظام اجتماعی، جایگاهی که به وکیل دادگستری اختصاص داده می شود بیانگر احترامی است که انسانها برای عدالت به طور کل قایل هستند. در واقع، وکیل دادگستری یکی از عاملان مهم دستگاه قضایی و اجرای عدالت بشمار می رود. در طول تاریخ، هر گاه دولتمردان برای حفظ و توسعه منافع خویش قصد تهدید دامنه عدالت را داشته اند، سعی نموده اند با وضع مقرراتی دست و پا گیر، نقش و آزادی عمل وکلای دادگستری را محدود ساخته و تحت نظارت در آورند. از دیدگاه آنان، وکیل دادگستری مدافع حقوق شهروندان در مقابل منافع دستگاه دولتی بوده، و از آنجا که منافع دولت را با منافع عمومی جامعه مترادف دانسته اند، وکیل دادگستری را به عنوان یک اخلاکگر در نظم عمومی، یک معترض و به عبارتی دیگر یک مزاحم برای خود در نظر گرفته اند. بدین جهت، با ایجاد کانونی هر چند صنفی برای وکلای دادگستری مخالفت ورزیده اند یا اینکه به قیمت حذف استقلال آن به چنین اقدامی از سوی وکلا رضایت داده اند. برعکس، هر گاه عدالت یا سیاست حاکم منافاتی نداشته و یا حتی مورد حمایت آن قرار گرفته، وکیل دادگستری از جایگاه و احترام خاصی برخوردار بوده است. مقررات مربوط به حرفه وکالت، از یک سو آزادی عمل او برای انجام وظیفه به نحو احسن را تأمین کرده، و از سویی دیگر حمایت از او در مقابل اقدامهای نفوذی، تهدیدی یا تلافی جویانه احتمالی از طرف دستگاههای دولتی و اجرایی را تضمین نموده است. کانون وکلای دادگستری نیز به طور مؤثر و مقتدرانه از اعضای خود و حقوق آنان حمایت کرده است. بنابراین، اگر چه حرفه وکالت دادگستری شغلی خصوصی به حساب می آید، اما انعکاس فراوان و غیر قابل انکاری در عرصه عمومی دارد و جایگاه آن تعیین

ظرافت، عدالت، ادب، بی غرضی و رفتار برادرانه با همکاران (۱) (بندهای ۳ و ۴ ماده ۱۳ مقررات داخلی کانون پاریس) عدم رعایت حتی یکی از اصول مذکور برای وکیل یک تخلف شغلی محسوب می شود. بنا براین، اصول فوق تمامی فعالیتهای وکلای را، در هر زمان و هر شرایط، تحت شعاع قرار می دهد. هنگام آغاز رسمی حرفه خود و کلاً به شرح ذیل سوگند یاد می کنند: به عنوان وکیل سوگند یاد می کنم که حرفه خود را با مناعت، وجدان، استقلال، درستکاری و انساندوستی انجام دهم.

## ۲. فعالیتهای وکیل دادگستری

طبق قانون (۱۹۹۰)، حرفه وکالت دادگستری در فرانسه شامل سه زمینه فعالیت می شود: مشاوره، دفاع و نمایندگی (۲). وکیل دادگستری صلاحیت مشاوره در همه زمینه های حقوقی و قضایی، چه به منظور پیشگیری از دعوای احتمالی و چه برای هدایت دعوی را دارد. در زمینه دفاعیات، وکیل می تواند برای موکل خود اسناد حقوقی تنظیم نماید. نمونه بارز آن تنظیم قرارداد است. البته وکیل در این زمینه به طور انحصاری عمل نمی کند زیرا محضرخانه ها (دفترخانه های اسناد رسمی) و مأموران ابلاغ قضایی نیز از چنین صلاحیتی برخوردار می باشند. وکیل نزد هر محکمه قضایی،

اداری یا انتظامی موکل خود را

یاری کرده و به جا به نام موکل از منافع او دفاع می کند و دفاعیات خود را به طور کتبی و شفاهی به محکمه ذیصلاح ارائه می دهد. هر وکیلی می تواند در هر نقطه ای از فرانسه، حتی خارج از حوزه قضایی عادی خود، موکل خود را

در امور حقوقی یاری کند. وکیل به عنوان نماینده قانونی موکل نیز عمل می کند. در این صورت، وکیل مخاطب مستقیم محاکم قضایی قرار گرفته و مأمور تنظیم و تسلیم لوایح و ارایه مدارک درخواستی است. بر خلاف وظیفه دفاع، دامنه نمایندگی فقط به حوزه قضایی فعالیت وکیل ختم می شود. برای رفع ابهام درباره نکته اخیر می توان اینطور مثال زد: شخصی ساکن پاریس علیه شخص دیگری که ساکن فرساً شهر ماری است اقامه دعوی می کند. چون دادگاه صلاحیتدار دادگاه ماری، یعنی دادگاه محل اقامت خوانده می باشد، او باید به یک وکیل عضو کانون وکلای ماری رجوع کند تا دادخواستی به نمایندگی او به دادگاه مزبور تسلیم نموده و به نام او با دادگاه مکاتبه کند. قاعدتاً وکیل محلی منتخب موکل خود را از مسایل حقوقی مطروحه در پرونده مطلع ساخته و کسب نظر کرده و لوایح را بر اساس استدلالهای دادگاه پسند تنظیم و سپس ثبت می نماید و در جلسه دادگاه حضور یافته تا شفاهاً از موضع موکل دفاع نماید. در این

صورت، وکیل محلی کلیه فعالیتهای وکالت، اعم از نمایندگی، مشاوره و دفاع را بر عهده گرفته است. اما ممکن است موکل به دلایل متعددی فعالیتهای مشاوره و دفاع را به یک (یا چند) وکیل آشنا و مورد اطمینان در شهر خود، مثلاً در پاریس، واگذار نماید که در این صورت وکیل محلی تنها به عنوان نماینده موکل اقدام خواهد کرد. تمکیک میان وکیل (یا وکلای) مشاور و مدافع (conseil avocat) با وکیل نماینده (avocat plaident avocat) یکی از ویژگیهای حرفه وکالت دادگستری در فرانسه است. تا سال ۱۹۷۱ میلادی، نمایندگی موکل در محاکم قضایی و تبادل لوایح به عهده حرفه خاصی تحت عنوان آووویه (Avoué) بود و وکیل دادگستری در زمینه های مشاوره، تنظیم لوایح و دفاعیات شفاهی عمل می کرد. با تصویب قانون ۱۹۷۱ میلادی، فعالیت آووویه به نفع وکلا محدود گردید و فقط نمایندگی موکل در مرحله استیناف به عهده او باقی ماند و این وظیفه نزد محاکم بدوی به وکیل دادگستری واگذار گردید. تا سالهای اخیر، وکیل دادگستری در فرانسه به طور معمول در مرحله دعوی وارد عمل می شد. نقش مشاور عمدتاً توسط



صنف مشاوران حقوقی (Conseillers juridiques) اجرامی شد که قبل از بروز اختلاف و برای اجتناب از آن مراجعه می شد. مشاوران حقوقی نمی توانستند نزد مراجع قضایی به نمایندگی از موکل خود حضور یابند یا لایحه ثبت و ارائه نمایند زیرا این جزء فعالیتهای انحصاری وکلا بود. از نوآوری های حایز اهمیت قانون مورخ دسامبر ۱۹۹۰ میلادی ادغام مشاوران حقوقی در صنف وکالت دادگستری بود. از آن پس همه این افراد تحت عنوان وکیل دادگستری کلیه فعالیتهای مربوط و منحصر به این حرفه را، چه در امر مشاوره و چه در مرحله دعوی و نزد محاکم، انجام می دهند. امروزه، وکلای دادگستری در فرانسه حرفه خود را در قالب ساختارهای حرفه ای مختلفی پیش می گیرند. نظر به اینکه حرفه وکالت دادگستری یک شغل آزاد است، وکلا می توانند به طور انفرادی کار کرده و دفتر شخصی خود را داشته باشند. در شهرهای کوچک و متوسط، اغلب وکلا دفتر وکالت شخصی دارند. اما در شهرهای بزرگتر، تخصصی شدن کار و حجوم آن باعث

گردیده وکلا بیشتر با یکدیگر همکاری کرده و در داخل ساختمانهای مختلفی به طور جمعی فعالیت کنند. رایج ترین این ساختارها عبارتند از:

۱. شرکت مدنی حرفه ای وکلا (d avocats Societe civile professionelles)؛

۲. شرکت مدنی برای امکانات مشترک (Societe civile de moyens)، که درون آن وکلا به طور انفرادی کار کرده لیکن امکانات مشترک است؛ شرکت مشارکت (Societe en participation)، که فاقد شخصیت حقوقی است؛ شرکت انجام فعالیتهای آزاد (liberal Societed'exercice, SEL)، که نوآوری مهم قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۹۰ در این زمینه می باشد که در واقع نوعی شرکت تجاری خاص وکلای دادگستری است. صرف نظر از ساختار حرفه ای که در آن فعالیت می کنند، وکلای دادگستری در فرانسه شخصاً وظایف مشخصی بر عهده دارند که در مقررات مربوط به شغلشان، به ویژه در آیین وظایف صنفی کانونی که به آن تعلق دارند، تعیین شده است.

## ۳. وظایف صنفی وکلای دادگستری

وظایف وکلای دادگستری در فرانسه را می توان به چند دسته عمده تقسیم کرد: محرومیت راز و حفظ اسرار و وظایف او در زمینه ارتباطات عمومی و وظایف او نسبت به موکل و وظایف او نسبت به وکیل طرف مقابل و قضاوت بر تن داشتن پوشاک رسمی مغایرتهای شغلی و معاضدت قضایی.

الف. محرومیت راز و حفظ اسرار وکیل دادگستری در هر شرایط و زمانی موظف به حفظ اسرار موکل خویش می باشد. اسرار مورد بحث شامل هر گونه اطلاعاتی است که به شخص یا امور موکل

مربوط می شود، اعم از گفته ها یا نوشته ها، منجمله رازگویی ها و اقرارهای خود او. مقررات کانون پاریس به طور قاطعانه بر این امر تأکید می ورزد. بند نخست ماده ۱۷۷۱ آیین وظایف صنفی این وظیفه را مطلق و بدون محدودیت زمانی دانسته، به این معنی که تعرض از آن به هیچ وجه قابل توجیه نبوده و هیچ مقامی، و حتی خود موکل نیز نمی تواند وکیل را از این وظیفه معاف بدارد و در نهایت آن را به عنوان حافظ نظم عمومی (ordre public) تلقی می نماید. اهمیت محرومیت راز برای وکیل دادگستری در فرانسه به حدی است که در صورت عدم رعایت این اصل، وی مشمول مجازات قانونی، اعم از کفوری، مدنی و انتظامی قرار می گیرد. آیین وظایف صنفی وکلای دادگستری اتحادیه اروپا، که کانون پاریس نیز آن را امضا کرده است (۳)، در ماده ۲/۳ خود بر ضرورت امانتداری راز توسط وکیل دادگستری تأکید نموده و می افزاید: ... راز شغلی به عنوان حق و تکلیفی اساسی و اولیه وکیل شناخته شده است. بنابراین حفظ اسرار، حقی است از این جهت که وکیل در مقابل مقامات دولتی و

انتظامی از نوعی مصونیت برخوردار بوده زیرا تحت هیچ شرایطی نمی توانند وی را وادار به افشای راز پرونده ای کنند. در واقع امانت داری راز عامل مهم ایجاد اعتماد میان وکیل و موکل خود می باشد که این امر ضامن حقوق و منافع موکل در روند دادرسی است.

### ب. محدودیت های مقرر در زمینه ارتباطات عمومی وکلا

وکیل دادگستری در فرانسه از آزادی سخن کامل در عموم مسایل و زمینه های مختلف برخوردار است او می تواند درباره پرونده هایی که به عهده دارد، ضمن حفظ اسرار پرونده، هر گاه که صلاح بدانند، به نام خویش یا از طرف موکل اظهار نظر نماید. لیکن، در همه این موارد، وکیل موظف است با ظرافت و احتیاط لازم سخن بر زبان آورد (ماده ۵۳ مقررات کانون پاریس). دیگر اینکه، بیانات وکیل مختص شخص او یا موکل اوست. وی نمی تواند هیچ گاه به طور انفرادی از طرف صنف خود صحبت کند. تنها رییس کانون صلاحیت دارد که از طرف کانون، یعنی کلیه وکلا صحبت کند و درباره منافع عمومی صنف وکالت دادگستری اظهار نظر نماید (ماده ۵۲ مقررات کانون پاریس). محدودیت دیگری که به وکلا در فرانسه تحمیل می شود، در زمینه تبلیغاتی است. کانونهای وکلا در فرانسه عموماً به آیین و رسوم سنتی و تاریخی حرفه وکالت دادگستری توجه خاصی داشته و در حفظ این سنتها حساسیت خاصی نشان می دهند. این حساسیت به خوبی در مقررات مربوط به تبلیغات شخصی وکلای دادگستری نمایان است؛ وکیل دادگستری باید، برای حفظ شأن حرفه خود، از هر گونه تبلیغی از نوع تجاری به نفع خود، چه به طور مستقیم چه غیر مستقیم پرهیز نماید. از دیدگاه کانون های فرانسه، وکالت اگر چه شغلی است آزاد، ولیکن با مشاغل تجاری تفاوت عمده ای دارد. در فعالیتهای تجاری، هدف منفعت مادی (افزایش سرمایه یا درآمد) است. اما حرفه وکالت هدف خود را به منفعت مالی یا مادی محدود نمی سازد. البته وکیل باید امرای معاش کند و در مقابل خدمتی که انجام می دهد حق الزحمه مناسبی دریافت نماید. ولی او باید در اصل وکیل دادگستری در فرانسه از آزادی سخن کامل در عموم مسایل و زمینه های مختلف برخوردار است او می تواند درباره پرونده هایی که به عهده دارد، ضمن حفظ اسرار پرونده، هر گاه که صلاح بدانند، به نام خویش یا از طرف موکل اظهار نظر نماید. هدف والا و شایسته شأن خود را مد نظر داشته باشد که آن عبارت می شود از دفاع از حقوق اشخاص و تلاش در جهت عدالتخواهی و نهایتاً خدمت در راه برقراری و حفظ عدالت در جامعه. تحولات فنی اخیر در مجامع غربی به طور کل و رونق روزافزون نقش و اهمیت ارتباطات و تبلیغات در این مجامع به طور خاص باعث بروز نارضایتی هایی در میان وکلای دادگستری فرانسه نسبت به اصل منع تبلیغات شخصی گردید. از جمله انتقاداتی که به اصل مذکور وارد است اینکه، آزادی تبلیغات در میان وکلا نتیجتاً به نفع موکل می باشد زیرا وی بدین گونه از اطلاعات بیشتری درباره وکلا، تخصص و تجارب آنان برخوردار خواهد بود و خواهد

توانست به طور آگاهانه وکیل مورد نظر و دلخواه خود را انتخاب نماید. در نتیجه فشارهای وارده از سوی وکلا، اغلب کانونهای فرانسه استثنائاتی بر این اصل قایل شدند. در مقررات صنفی کانون پاریس مقرر گردید که تبلیغ شخصی، به منظور فراهم کردن اطلاعات لازم برای عموم، مجاز می باشد (بند اول ماده ۵۲/۲). به عبارت دیگر، تبلیغات شخصی وکلا باید جنبه اطلاع رسانی داشته و نه جنبه تجاری. بدین منظور، چنین اقدامی از سوی وکلا می باید مطابق شأن این حرفه و توأم با ظرافت، صداقت و رازداری باشد (بند دوم ماده ۵۲/۲). بنابراین، این گونه تبلیغات نباید شامل شعارهای مبالغه آمیز و ستایش کننده به سبک تجاری و ادعاهای بیپوده بوده و اسامی موکلان سرشناس را جهت جذب بیشتر درج نمایند.

### ب. وظایف وکلا نسبت به موکلان خود

وکیل دادگستری تنها در صورتی باید پرونده ای را قبول کند و مسئولیت آنرا به عهده گیرد که به تشخیص خود از صلاحیت لازم برای رسیدگی و پیگیری آن برخوردار باشد و یا اینکه با یک یا چند وکیلی که دارای صلاحیت لازم باشند همکاری نمایند. ضمناً، صرف نظر از صلاحیت، وکیل باید فرصت لازم را نیز برای



رسیدگی و پیگیری پرونده در شرایطی که بتواند به بهترین نحو ممکن از منافع موکل دفاع نماید، داشته باشد (ماده ۳۲/۱ مقررات کانون پاریس). چنین قاعده ای نمایانگر برتری شأن و حیثیت وکالت نسبت به اهداف سودجویانه این حرفه می باشد. وکیل نباید در یک پرونده، مشاوره و نمایندگی و دفاع بیش از یکی از طرفها را به عهده گیرد. زیرا با توجه به احتمال بروز اختلاف میان آنها، در معرض وقوع تعارض منافع میان موکلان خود قرار می گیرد. شایان ذکر است که در صورت

وجود تعارض منافع، وکیل، از آنجا که نباید بین موکلان خود فرقی قابل شود، و دیگر اینکه از وضعیت طرفهای دعوی و اسرار آنان با خبر است، موظف است از ادامه به رسیدگی به پرونده انصراف ورزیده و از پذیرفتن وکالت هر یک از طرفهای دعوی خودداری نماید. (ماده ۳۲/۴ مقررات کانون پاریس) با پذیرفتن مأموریت محوله، وکیل عهده دار منافع موکل خود می گردد. او موظف است به طور دایم در روابط خود با موکل اصول مهم مقرر در ماده ۳/۱ آیین وظایف صنفی و مندرج در بخش الف فوق را رعایت نماید. وی حق برقراری یا پذیرش تماس مستقیم با طرف مقابل دعوی را ندارد، مگر با صلاحیت و موافقت موکل خود. مخاطب عادی او در هر شرایطی وکیل طرف مقابل است (ماده ۳/۱۳ مقررات کانون پاریس). وی حق هیچگونه مصالحه، انصراف از دعوی، ارایه یا پذیرش پیشنهاد در دادگاه را ندارد، مگر با موافقت کتبی موکل که به صورت تفویض اختیارات لازم بدین منظور به وی انجام می گیرد (ماده ۳۷/۲). وکیل موظف است موکل خود را دایماً در جریان کارهای خود مربوط به پرونده او قرار داده و وی را از تحولات پرونده آگاه سازد و با مشورت خود راهنمایی کند. وکیل همیشه حق انصراف از ادامه رسیدگی و پیگیری پرونده ای که عهده دار آن می باشد را دارد، مشروط به اینکه وضعیت پرونده و منافع موکل را به مخاطره نیندازد و زمان اجرای تصمیم خود را طوری پیش بینی نماید که به موکل اجازه دهد سر فرصت وکیل مناسب دیگری را برای ادامه کار انتخاب کند (بند دوم ماده ۲/۱). از طرف دیگر، موکل این اختیار را دارد که هر گاه و به هر دلیلی به مأموریت وکیل خود خود خاتمه داده و وکالتنامه منعقد را فسخ نماید. در مورد حق الوکاله، تعرفه مشخصی از سوی کانون تعیین نشده است. میزان حق الوکاله معمولاً بر اساس یک سری داده هایی و با توجه به اصول مهم حاکم بر حرفه وکالت دادگستری در فرانسه، توسط وکیل تعیین می گردد. این داده ها به ترتیب عبارتند از: تعرفه مرسوم در موارد مشابه، وضعیت مالی موکل، میزان پیچیدگی پرونده و دشواری پرونده با توجه به منافع مطروحه. ضمناً وکیل می تواند میزانی بابت حسن انجام کار و نتیجه حاصله را به حق الوکاله خود بیفزاید. لازم به ذکر است که وکیل مجاز نیست حق الوکاله خود را منحصرأ بر اساس حسن انجام کار و نتیجه حاصله محاسبه و دریافت کند. این امکان نیز وجود دارد که وکیل از قبل با موکل خود بر سر میزان معینی بابت حق الوکاله توافق نموده و قراردادی را در این خصوص با موکل منعقد نماید (بند اول ماده ۳/۵۳ مقررات کانون پاریس). در صورت بروز اختلاف میان وکیل و موکل بر سر میزان حق الوکاله، حل اختلاف در صلاحیت کانون وکلا می باشد. به هنگام خاتمه پرونده محوله به وکیل، چه به دلیل پایان مأموریت وی یا انصراف و یا عزل از جانب موکل، ایشان موظف است کلیه مدارک و اسناد دریافتی ضمیمه پرونده را به موکل بازگرداند. چنانچه وکیل تحویل مدارک و اسناد مذکور را موکول یا مشروط به دریافت کل یا بخشی از حق الوکاله خود سازد، مرتکب تخلف شغلی شده و قابل تعقیب از سوی موکل در



مراجعه انتظامی خواهد بود.

ث. وظایف و کیلی دادگستری نسبت به وکیل طرف مقابل و قضات و کلا و قضات، هر یک به سهم خود نقش بسزایی در گردش چرخ قضایی دارند. رابطه نزدیک و در عین حال حساس کاری این دو حرفه ایجاب می کند که نسبت به هم احترام قائل شوند. از جانب قاضی، این احترام مستلزم رعایت اصل بی طرفی و توجه لازم به وکیل می تواند. و باید هرگاه صلاح بدانند، به منظور دفاع از منافع موکل خود استدلالهای قاضی را مورد بحث و نقد قرار دهد.

بیانات یا نوشته های وکیل و ضامن حقوق او در محکمه است. او هرگز نباید شخص وکیل را با موکل یکی دانسته. بویژه اگر اخیر الذکر متهم باشد. و باید همیشه با او با ادب و با نزاکت رفتار کند. وکیل نیز باید همیشه شأن قاضی را حفظ کرده و ضمن رعایت ادب و نزاکت، از او به عنوان دادرس و رئیس محکمه تبعیت کند. البته منظور از تبعیت در اینجا، اطاعت نیست بلکه فقط پیروی از او در هدایت دادرسی و محکمه می باشد. وکیل می تواند. و باید هرگاه صلاح بدانند، به منظور دفاع از منافع موکل خود استدلالهای قاضی را مورد بحث و نقد قرار دهد. به عبارت دیگر، وکیل نباید تحت تأثیر قاضی قرار گرفته و برای نیل به اهداف خود. و موکل خود. در مقابل او مقام و شأن خود را فراموش کند. وکیل باید همیشه با همکار خود که وکالت طرف مقابل دعوی را به عهده دارد نیز با احترام و نزاکت لازم برخورد کند. دعوی حقوقی باید میان وکلای پرونده نهی از احساسات خصمانه با یکدیگر را هرگز در روابط خود منعکس نکنند. وقتی وکیلی جانشین وکیل دیگری در پرونده ای می شود، باید نخست موکل جدید خود را به پرداخت حق الوکاله باقی مانده و تصفیه حساب با وکیل قبلی و ادار نماید. طبق قاعده، تا تصفیه حساب با وکیل قبلی صورت نگرفته، وکیل جدید نمی تواند مبلغی برای خود از موکل دریافت نماید. البته باید اظهار داشت که در عمل وکلا به ندرت قاعده مذکور را رعایت می کنند و به لحاظ منافع شخصی خود، موکل جدید خود را تحت فشار مالی قرار نمی دهند. در صورتی که وکیلی، به هر دلیلی، پرونده ای که به او محول شده را به وکیل یا وکلای دیگری ارجاع دهد یا از آنها یاری بخواهد، شخصاً برای پرداخت حق الوکاله آنان مسؤول خواهد بود.

ج. حضور در دادگاه با پوشاک رسمی وکلای دادگستری در فرانسه موظفند در هنگام حضور در محاکم قضایی پوشاک رسمی خود که عبارت است از یک رویوش سیاه را بر تن کنند. بقیه این رویوش دارای یک فکل سفید رنگ است و بر شانه چپ آن پارچه ای مانند یک شال آویزان است. در شهرستانها، وکلا در انتهای این شال یک لیه با پوست خرگوش می دوزند (خرگوش علامت شانس است)، اما در شهر پاریس تنها وکلایی که دارای مدرک دکترای حقوق هستند یا آنهایی که سابقاً قاضی دادگستری بودند این زینت را به خود اضافه می کنند.

خ. مغایرت های شغلی به منظور حفظ جنبه آزاد و مستقل حرفه وکالت

## استقلال در امر وکالت ضمانتی برای عموم و برای اجرای عدالت است و وکیل دادگستری را از هر گونه اعمال نفوذ یا فشاری در امان می دارد.

وظایف خویش را با رعایت اصول حاکم بر حرفه و تکالیف خود نسبت به موکل انجام دهد. وکیل منتخب تنها در صورت داشتن عذری موجه به تشخیص کانون می تواند از انجام مأموریت محوله شانه خالی کند. در خواست هر گونه مبلغی به عنوان حق الوکاله از موکل از طرف وکیل منع شده است. وکیل برای انجام این مأموریت محوله فقط مبلغی را از کانون وکلا، بر اساس تعرفه مشخص شده، دریافت می نماید. وکلای دادگستری در فرانسه موظفند بنا به درخواست کانون وکلا، در ارایه خدمات مشاوره حقوقی رایگان که توسط کانون وکلا برای عموم سازماندهی می شود شرکت نمایند. در این جلسات، وکلا به سؤالات متعدد مردم به طور انفرادی پاسخ داده یا آنها را برای یافتن پاسخ مناسب راهنمایی می نمایند. و از این بابت نیز مبلغی از کانون وکلا، بر اساس تعرفه مشخص شده، دریافت می نمایند. معاضدت قضایی یکی از نهادهای قدیمی و مهم دادگستری فرانسه بوده و از نظر فرانسویها ضامن دسترسی همه افراد جامعه به دادخواهی است.

### پاورقی

le desinterressement, la confraternite, le tact  
delicatesse, la moderation, la courtoisie, la courtoisie.  
la probite, l humanite, l honneur, la loyaute, la  
(1) La dignite, la conscience, l independance,  
(2) Conseil, assistance, representation

در اینجا ما اصطلاح assistance را به دفاع ترجمه می کنیم زیرا برای فعالیتهای مورد نظر مناسبتر می باشد.  
(3) آیین نامه مذکور در تاریخ ۲۸ اکتبر ۱۹۸۸ میلادی در شهر استرازبورگ فرانسه، توسط نمایندگان کانون وکلای دادگستری کشورهای عضو اتحادیه اروپا منعقد گردید.

دادگستری، پیش گرفتن آن به طور همزمان با یک سری مشاغل دیگر مغایر شناخته شده است. ماده ۶۱ مقررات کانون پاریس به طور کل هر گونه شغلی که به استقلال، شأن وکیل دادگستری، به جنبه آزاد این شغل لطمه وارد آورد را برای وکیل منع کرده است. مفاد بعدی ماده ۶ مقررات مذکور، سمتهای دولتی و اداری و وکالت مجلس و کلاً مشاغل عمومی را با حرفه وکالت دادگستری مغایر دانسته (۶۱ و ۶۲) و امکان عضویت او در هیئت مدیره شرکت تجاری را تابع شرایط سختی کرده است (۶۷). اصولاً پیشه گرفتن حرفه وکالت به طور همزمان با هر گونه شغل تجاری مغایر بوده و چنانکه قبلاً نیز گفته شد کانون وکلا حساسیت خاصی در تفکیک این دو حرفه به خرج می دهد. ضمناً، در اجرای اصل استقلال، حرفه وکالت با هر گونه شغل استخدامی مغایرت دارد. بنا به قانون مذکور در تضاد می باشد. قانون ۱۹۹۰ فقط استخدام وکلای دادگستری را در دفاتر وکالت مجاز دانسته است.

د. معاضدت قضایی در فرانسه دادرسی جزء خدمات عمومی است و امکانات لازم برای آن باید برای هر فرد جامعه مهیا باشد. هر شخصی باید بتواند برای ارایه خواسته خود یا برای دفاع نزد مراجع قضایی از خدمات وکیل دادگستری بهره مند باشد. در صورتی که شخصی توانایی مالی انتخاب وکیل را نداشته باشد، جامعه موظف است امکانات لازم بدین منظور را برای او فراهم ساخته تا او بتواند، در اجرای اصل برابری افراد و در مقام مطالبه حقوق، از حق و منافع خود در شرایط مناسب دفاع کند. این وظیفه اجتماعی، در فرانسه، در قالب معاضدت (Aide juridictionnelle) تجلی یافته است. متقاضی معاضدت قضایی می تواند ضمن ارایه درخواست خود وکیل مورد دلخواه خود را انتخاب نموده و آنرا معرفی نماید. در غیر این صورت، کانون وکلای مربوطه اقدام به انتخاب وکیلی مناسب برای او خواهد کرد. حتی در صورت معرفی وکیلی از سوی متقاضی، کانون وکلای مربوطه باید این انتخاب را تأیید نماید. به هنگام انتخاب یا تأیید وکیلی از طرف کانون وکلا، وکیل مورد نظر موظف است پرونده را به عهده گرفته و صرف نظر از جنبه مالی در مأموریت محوله،

